

استعاره، آینه اندیشه و روان شاعر و جامعه (مطالعه موردی اشعار قیصر امین پور)

محمد معین صفاری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد مرودشت

چکیده

استعاره زینتی برای کلام است که کمک می‌کند تا به ذهنیت مؤلف و معنای اصلی متن دست یابیم. با بررسی استعاره‌های هر قوم و ملت می‌توان عقاید و باورها و فرهنگ آنها را بررسی نمود. قیصر امین پور، از شاعران برجسته چند دهه اخیر می‌باشد. وی تمام تلاش خود را در ایجاد زیبایی‌های شعری معطوف بر آن داشته که دغدغه‌های همیشگی ذهنی خود را به نمایش بگذارد. در میان شگردهای هنری قیصر بیشتر به آرایه‌های بدیعی همچون استعاره نظر داشته است. وی به نحوی خاص از استعاره در چینش کنار سایر واژگان و آرایه‌های بدیعی برای بیان اندیشه و تفکرات و وضعیت روان و ذهن خود بهره برده است. در این پژوهش چهار دفتر شعری قیصر امین پور (آینه‌های ناگهان، دستور زبان عشق، تنفس صبح، گلها همه آفتابگردانند) با رویکرد توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شعر قیصر در بهره‌گیری از استعاره جایگاه قابل توجهی دارد. با توجه به اینکه شاعر متولد مناطق جنگی است و خود شاهد هشت سال دفاع مقدس بوده است، استعارات مورد استفاده وی به خوبی بیانگر خشم وی از اجتماع و مسائل اجتماعی، ترسیم جنگ و سیمای شهیدان، بیان حال رزمندگان و خانواده‌های آنها، فلسطین و مسئله مقاومت، عشق و مهدویت است. افزون بر این، نگاهی اجمالی به آثار او نشان دهنده این است که استعاره‌های مصرحه، مرشحه و مکنیه بسامد بالایی در اشعار وی دارند، همچنین بیشترین تعداد استعاره مربوط به دفتر دوم آینه‌های ناگهان (۹۰ استعاره) می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: قیصر امین پور، استعاره، تفکرات اجتماعی.

۱. مقدمه

تصویرسازی یا صور خیال، همواره یکی از عناصر اصلی شعر بوده که نقش محوری در خیال‌انگیزکردن آن داشته‌است. افزون بر این، تصاویر ادبی در قالب تصویرهای شعری خویش، نگرش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را بیان می‌کنند. شفيعی کدکنی در تبیین تصویرسازی و صور خیال می‌گوید: «در حقیقت شعر، زادهٔ کوشش شاعر است برای نمایش درک او از نسبت های میان انسان و طبیعت، یا طبیعت با انسان. همچنین شاعر می‌تواند گوشه‌هایی از زندگی انسان و حالات و عواطف و روحیات او را با گوشه‌هایی از هستی یا طبیعت یا زمان پیوند زند که این پیوند در ظاهر وجود ندارد و ذهنی است. درک این ارتباط میان انسان و طبیعت را تجربه‌ای شاعرانه و حاصل آن را خیال شعری می‌نامیم که همین خیال، عنصر اصلی شعر است» (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴). بر اساس این سخن، باید گفت که جان مایهٔ شعر، خیال و تصویر است که شاعر از طریق برقراری پیوند میان طبیعت و انسان ایجاد می‌کند. این پیوند، می‌تواند عادی و ساده باشد. اما نوع ترکیب آن یعنی طرز پیوند برقرار کردن میان آن دو مهم است چرا که پرداختهٔ تخیل شاعر می‌باشد. این تصرفات ذهنی، حاصل بیداری شاعر و درک این ارتباطات است. یعنی ارتباط عادی میان انسان با طبیعت یا طبیعت به زبان ساده تر که ذهن شاعر در برابر احساس این نوع ارتباطات بیدار می‌شود.

قیصر امین‌پور یکی از شاعران معاصر ایران است «وی در سال ۱۳۳۳ ه.ش در روستای گتوند شهرستان دزفول به دنیا آمد» (اقتصادی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۸). دربارهٔ وی باید گفت که «او شاعری با روحیه‌ای عدالتجو و ظلم ستیز بود و تا آخرین آثار خود از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خود دست نکشید» (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

شعر او سرشار از تصاویر ادبی است، وی متأثر از حیات پرتلاطم سرزمین خویش، بسیاری از مکنونات ذهنی خود را در قالب تصاویر شعری به مخاطب عرضه کرده‌است. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی استعاره به عنوان یکی تصویرهای ادبی در اشعار او بپردازد. در این پژوهش تلاش شده که به این سؤال پاسخ داده شود که آیا از استعاره می‌توان به تفکرات اجتماعی و سیاسی پی برد و ویژگی‌های روحی و اخلاقی نویسنده را فهمید و دریافت که در ذهن و روان او چه می‌گذرد؟ در این پژوهش تلاش شده که تبلور ویژگی‌های روحی و اخلاقی وی همچنین تفکرات اجتماعی و سیاسی قیصرامین‌پور در اشعارش تحلیل شود. در این راستا، ابتدا تعریفی از استعاره ارائه شده، سپس نظر اندیشمندانی چون جاحظ، جرجانی و شفيعی کدکنی مطرح شده است. سپس به بررسی این موضوع در اشعار قیصر امین‌پور پرداخته شده است و براساس یافته‌ها به این سؤال پاسخ مثبت داده شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ با توجه به اینکه قیصر امین‌پور در روستای جنوب ایران به دنیا آمده، رشد کرده و بالیده‌است. از این‌رو، از نزدیک با پدیدهٔ جنگ و دفاع مقدس روبرو بوده‌است، بنابراین، دفاع مقدس و مؤلفه‌های آن از جمله دست‌مایه‌هایی است که شاعر به آن توجه داشته و از آن متأثر شده و این تأثیر را در اشعار خود به صورت عناصر خیال متعدد به ویژه، استعاره، نشان داده‌است. افزون بر این، شعر قیصر امین‌پور، سرشار از اندیشه‌ها و آموزه‌های دینی و مذهبی است، این مشخصه در قالب استعاره جلوه پیدا کرده‌است.

تا کنون پژوهش‌های زیادی در رابطه با استعاره در کتاب‌های بلاغت صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی از جلال‌الدین همایی، صور خیال در شعر فارسی از شفيعی کدکنی (۱۳۸۳)، بلاغت تصویر از محمود فتوحی (۱۳۹۳) و زیبایی‌شناسی سخن پارسی از میرجلال‌الدین کزازی (۱۳۶۸) و همچنین کامران لطافت (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «سیاست نوشتار، پژوهشی در شعر و داستان معاصر» الگویی برای درک تغییرات ادبی در ایران و درکی از شکل‌گیری تاریخ ادبیات نوین فارسی ارائه کرده است. مؤلف در توضیح این الگوی تحلیلی و در نگارش این تاریخچه از بررسی عناصری از قبیل جنبش ادبی، خلاقیت ادبی، ایدئولوژی و استعاره‌هایی که نویسندگان معاصر ایرانی برای بیان علائق ایدئولوژیک خود به کار برده‌اند بهره برده و به‌ویژه بر روابط متقابل این عناصر با یکدیگر تأمل کرده است. مؤلف کوشیده است از دیدگاه تاریخ‌نگاری نو آثار ادبی دوران معاصر و چگونگی خلق و کاربرد متون ادبی را تحلیل کند.

افزون بر این، مقالات فراوانی نیز در ارتباط با شعر قیصر امین‌پور نگاشته شده‌است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- زهره شریعت مداری (۱۳۹۵) در نوشتاری کارکرد استعاره در تکامل و ترقی مخاطبان را بررسی نموده است. - فیروز فاضلی (۱۳۹۴) در مقاله دیگری به بررسی الگوهای اقناعی استعاره در گفتمان سیاسی-اجتماعی پرداخته است.

- مهدی سپهری (۱۳۸۲) در جستاری اصالت وجود نقش استعاره را بررسی نموده است.

- محمود فتوحی (۱۳۸۷) در نوشتاری تحت عنوان «سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین پور» حیات شعری قیصر امین پور، شاعر معاصر فارسی (متوفی ۱۳۸۶) در سه دوره با عنوان سه سبک فعال، منفعل و انعکاسی از هم متمایز شده است. این تقسیم بندی بر اساس تمایزهای زبانی (در قلمرو واژگان و نحو)، بلاغی (در تصویرها و صناعات) و اندیشه شکل گرفته است.

قابل ذکر است؛ با وجود پژوهش‌های گسترده‌ای که در زمینه استعاره صورت گرفته است تا به حال از این منظر به بررسی استعاره در سروده‌های قیصر امین پور پرداخته نشده است. از این رو، پژوهش حاضر، پاسخگوی این مسأله است.

۲. استعاره

استعاره بزرگترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکان در حیطه هنری از کارآمدترین ابزارهای تخیل است. در لغت «مصدر باب استفعال است از مصدر ثلاثی مجرد به معنی عاریت خواستن و معنی اصطلاحی آن کاربرد لفظ در غیرمعنایی که برای آن وضع شده، به علاقه مشابهت است» (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه). در پیشینه کهن‌ترین بررسی‌ها، قدیمی‌ترین تعریف از استعاره توسط بلاغیون مسلمان به جاحظ مربوط است: «استعاره آن است که چیزی را به نامی بخوانیم که آن نام در اصل به چیز دیگری تعلق دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). در میان متفکران مسلمان، دقیق‌ترین تعریف را عبدالقادر جرجانی ارائه کرده است. از نظر وی «در استعاره مثل این است که نام و عنوان اصلی را از شیء جدا کرده‌ایم و به دور انداخته‌ایم و مثل این است که دیگر اسمی ندارد و نام دوم را شامل آن قرار داده‌ایم و تشبیه که قصد اصلی ما بوده، در دل نهان مانده و در خاطر پنهان شده، ولی در ظاهر چنان است که گویی این همان چیزی است که در زبان، این نام بر او نهاد شده است.» (جرجانی، ۱۳۶۱: ۲۸).

آنچه که مسلم است؛ استعاره در معنی سنتی خود تشبیه فشرده‌ای است که معنا را انتقال می‌دهد و «ارسطو نخستین کسی است که استعاره را به عنوان تشبیه فشرده مطرح کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). در بحث استعاره به مشبه، مستعار له و به مشبه به، مستعار منه و به لفظ استعاره، مستعار و به وجه شبه جامع می‌گویند. «واژه *metaphor*، استعاره، از واژه یونانی *metaphora* گرفته شده که خود مشتق است از *meta* به معنای «فرا» و *pherein*، «بردن». مقصود از این واژه، دسته خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آنها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر «فرآورده» یا منتقل می‌شوند به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است» (هاوکس، ۱۳۸۰: ۱۱).

هنرمندان به شیوه‌های مختلف نگرش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را بیان می‌کنند. کلمات آئینه معنا هستند و هر کلمه می‌تواند بار معنایی فراوانی را با خود به همراه داشته باشد.

استعاره کمک می‌کند بتوان به ذهنیت مؤلف و معنای اصلی متن دست پیدا کنیم همچنین با بررسی استعاره‌های هر قوم و ملت می‌توان عقاید، باورها و فرهنگ آنها را بررسی نمود.

۳. چهار چوب نظری مقاله

مایکل ردی در مقاله‌ای به نام «استعاره مجرا» سنگ بنای ساختمانی را پی ریخت که جورج لیکاف و کارل جانسون آن را در سال ۱۹۸۰ با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم» به تکامل رساندند. ردی معتقد است که «بسیاری از استعاره‌های رایج نه تنها در سطح زبان بلکه باید در سطح تفکر تحلیل شوند. زبان به ما کمک می‌کند رونوشتی از آنچه در اندیشه داریم، ارائه دهیم. شاید اگر می‌توانستیم افکار خود را به یکدیگر انتقال دهیم به نظام ارتباطی نیاز چندانی نبود، اما زبان است که اندیشه‌ها و احساسات افراد را به دیگران انتقال می‌دهد. عمده ترین عامل ناتوانی درک اندیشه‌های دیگران این است که به پاره‌ای از علائم و نمادهای زبانی آنها در سطح گفتار ناآشنا هستیم» (موسوی فریدونی، ۱۳۸۲: ۲۷).

شیوه‌ایی که استعاره برای اندیشه ترویج می‌دهد اندیشه مفهومی است. همانطور که لیکاف و جانسون اشاره می‌کنند: «اساساً اندیشه بشری سرشت استعاری دارد. اندیشه استعاری شیوه و مواد اندیشه را یکجا به دست می‌دهد. ساختمان‌های استعاری به نوعی اجازه خروج از نتیجه تعیین شده را به فرد نمی‌دهند و فرد را به شیوه‌ای از اندیشه هدایت می‌کند که پیش‌بینی شده است» (لیکاف، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

مطالعات جدید در حوزه زبان شناسی شناختی، به ویژه در زمینه استعاره، نشان می‌دهد استعاره، رابطه میان زبان، اندیشه و فرهنگ را به بهترین شکل ممکن نشان می‌دهد. به همین دلیل استعاره را صورتی از بیان نمادین دانسته است که زبان و فرهنگ را به یکدیگر می‌پیوندد و نشان می‌دهد این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

۴. بازتاب اندیشه و روان شاعر و جامعه در قالب استعاره

صورخیال که از رهگذر به کارگیری عناصر زیبایی سخن به دست می‌آید، جوهر اصلی و مشخصه ثابت شعر است و عنصری است که از نیروی تخیل شاعر حاصل می‌شود. تصاویر ادبی و خیال‌انگیز در دیوان هر شاعری بیانگر لحظه‌هایی است که با درون و جهان درونی او سرو کار دارد. از این رو با بررسی تصاویر ادبی در سروده‌های شاعران تا حدود فراوانی می‌توان به جهان درون آنها پی برد. در ادامه پژوهش، تلاش می‌شود؛ اندیشه‌های قیصر امین‌پور در سه سطح اندیشه‌های دینی و مذهبی، اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی و اندیشه‌های شخصی که در قالب استعاره بیان شده‌است، بررسی و تحلیل گردد:

۴-۱. بازتاب اندیشه‌های دینی در قالب استعاره‌های قیصر امین‌پور

با تأملی مختصر در ادب فارسی به روشنی مشخص می‌شود که جان‌مایه آن برگرفته از اندیشه‌های ناب اسلامی است و بسیاری از آثار ادبی در این حوزه بر مبنای آموزه‌های قرآنی، داستان‌های پیامبران و زندگی و رفتار ائمه (ع) خلق شده‌است. قیصر امین‌پور به عنوان یکی از شاعران آیینی از این امر مستثنی نبوده‌است و آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی در اشعار وی، بسامد برجسته و قابل توجهی دارد. در مجموعه شعرهای موردنظر در این پژوهش، واژه‌های دینی همچون ابراهیم، نمرود، آستین موسی، نای اسماعیل، سماعی سرخ، عروج، عید قربان و... به طور مکرر آورده شده‌است. اعتقاد دینی وی در گزینش این واژگان و استعارات مؤثر بوده‌است. به عنوان مثال در شعر زیر که تلمیحی به داستان حضرت ابراهیم (ع) و مبارزه با نمرود است، برگرفته از باورهای دینی شاعر می‌باشد، در این تصویر، نمرودیان استعاره از دشمنان بعثی است که همیشه‌ای از آتش را برای مردم ایران افروخته‌اند:

نمرودیان همیشه به کارند

تا همیشه ای به حیطة آتش بیاورند اما

ما را از آزمایش آتش هراس نیست

ما بارش همیشه باران کینه را

با چترهای ساده عربانی احساس کرده ایم (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۷۴).

افزون براین، در تصویر زیر نیز با وجود اینکه، سختی‌ها و مرارت‌های شاعر بیان می‌شود اما نقش اندیشه‌های دینی وی نمود دارد و برجسته است. وی در تصویر زیر اشاره به ماجرای هبوط حضرت آدم (ع) از بهشت دارد و نقش تصویرهای ادبی از جمله استعاره قابل درک است:

یک نظر روی تو را دید و حواسش پرت شد

ناگهان این اتفاق افتاد: زوجی فرد شد

عین مجنون از پی لیلی بیابانگرد شد

تا ابد از دامن پر مهر مادر طرد شد

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۵۰)

سر به زیرو ساکت وبی دست و پا می رفت دل

بر زمین افتاد چون اشکی ز چشم آسمان

بعدهم تبعید و زندان ابد شد در کویر

کودک دل شیطنت کرده است یک دم در ازل

در این ابیات، اشک استعاره از باران و چشم آسمان هم استعاره مکنیه می‌باشد. ماجرای حضرت یوسف و مؤلفه‌های آن یکی دیگر از بن‌مایه‌های دینی است که قیصر امین‌پور بارها آن را دست‌مایه تصویرهای ادبی خویش قرار داده‌است. به عنوان مثال دقت شود در سروده زیر:

از بد بتر اگر هست / این است / این که باشی / در چاه نابردار، تنها / زندانی زلیخا / چوب حراج خورده بازار برده‌ها
البته بی که یوسف باشی! (امین‌پور، ۱۳۸۷: ۲۴)

در مثالی که ذکر شد، چاه استعاره از سختی‌ها و ناملازمات روزگار است و زلیخا نیز استعاره از دشمنان و بدخواهان شاعر. در شعر «روایت رؤیا» از مجموعه اشعار دستور زبان عشق نیز دوباره با تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) و در قالب استعاره، از آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی و قرآنی متأثر شده‌است:

فرزندم! / رؤیای روشنت را / دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن! / - حتی برادران عزیزت - / می‌ترسم / شاید دوباره دست بیندازند / خواب تو را / در چاه / شاید دوباره گرگ (همان: ۱۰).

در این شعر که اشاره شد، چاه استعاره از اسارت و بندگی است و گرگ و برادران استعاره از انسان‌های فریبکار و نابکاری است که آرزوهای فرزند شاعر را در کمین نشسته‌اند.

در بیت زیر نیز با بهره‌گیری از ماجرای دینی خضر نبی، تصویری از شهادت رزمندگان دفاع مقدس در قالب استعاره مرگ سرخ (استعاره از شهادت) ارائه داده‌است. در این تصویر نیز رنگ و اندیشه دینی شاعر به چشم می‌آید و نشان از آن دارد که قیصر امین‌پور شاعری است که در بستر آموزه‌های اسلامی به شعر و ادب فارسی روی آورده‌است:

کو عمر خضر رو طلب مرگ سرخ کن / کاین شیوه، جاودانه‌ترین طرز بودن است
(امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۹۵)

قابل ذکر است که شهید و شهادت، مرگ مقدسی است که برگرفته از باورهای دینی قیصر امین‌پور می‌باشد. وی بارها در تصویرهایش به شهادت دفاع مقدس با رویکردی آسمانی و عرفانی پرداخته و این نوع مرگ را تکریم کرده‌است. از استعاره‌های پر بسامد در شعر قیصر واژه‌های افتاب و خورشید است که استعاره از شهید است و حتی گاهی شهید بالاتر از آن دانسته شده است:

در مجلس سوگ تو، تو را کی بینیم؟ / کوریم و به جشن آفتاب آمده ایم
(همان، ۱۳۸۹: ۴۳۲)

آفتاب استعاره از شهید است و مجلس آفتاب مجلس سوگ شهیدان. در این سروده‌ها مشخص است که قیصر امین‌پور با نگرش به باورهای قرآنی، زوایای درونی ذهن و چشم اندازه‌های بیرونی جهان را در شعرهای خویش به روشنی نشان داده‌است.

۴-۲. بازتاب اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در قالب استعاره‌های قیصر امین‌پور

با توجه به پیوند عمیق انسان و اجتماع، ناگزیر نوعی آمد و شد بین اندیشه‌های بشری و اجتماع انسانی در حوزه‌های مختلف علوم رقم زده می‌شود که می‌توان برای شناخت اجتماع و سیر تکوینی اندیشه‌های فردی و اجتماعی انسان، بر آن تکیه کرد. در این راستا شاعران و نویسندگان متعدد آثار خود را پایبند به بیان مسایل اجتماعی می‌دانند و تلاش می‌کنند تا نابسامانی‌ها و مشکلات جامعه را تحلیل و بررسی کنند و آنچه را که نیاز جامعه می‌پندارند به زبان هنری بازگو کنند و از آنجا که همراه و همدرد با مردم هستند، سعی می‌کنند زبان حال جامعه باشند، قیصر امین‌پور نیز از جمله شاعران متعهدی است که در کنار سرودن اشعار عاطفی از بیان واقعیات اجتماعی غافل نمانده است، وی با درک انسانی خویش واقعیت‌های جامعه را احساس می‌کند و آن را با زبان هنری برای مخاطب می‌سراید. دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی از مهمترین وقایع اجتماعی و سیاسی زندگی قیصر امین‌پور است که در تصویرپردازی‌های شعری وی به ویژه در گزینش استعاره‌ها تأثیرگذار بوده‌است. استعارات در این دوره متناسب با سال‌های آغازین انقلاب و جنگ پیام‌های حماسی-مذهبی را انتقال می‌دهد. واژگان در خدمت بیان احساسات او و همراهی با یاران رزمنده اش بود. او با بیانی آتشین روزهای جنگ را می‌سرود. از مقوله‌های مهم

جنگ در اشعار وی پرداختن به عرفان و حماسه است. استعارات غالب، استعاره‌های «مرگ»، «رفتن» و «رسیدن» است که همه این کلمات استعاره از شهادت هستند. به عنوان مثال:

برگ‌ها می‌روند شاد و لی
زخم‌ها روی شانه می‌مانند
(امین‌پور، ۱۳۸۹: ۴۰۳)

برگ: استعاره از رزمندگان جبهه نبرد که شهید می‌شوند. استعاره برگ حس رویش، زندگی و شادابی را به انسان القا می‌کند. رفتن: استعاره از شهادت است. شاعر شهادت را رفتنی شاد می‌داند.

زخم: استعاره از بازماندگان و کسانی است که به مقام شهادت نرسیده‌اند. قیصر با استعاره زخم به زیبایی حسرت و درد و رنج بازماندگان از شهادت را به تصویر کشیده است.

شاخه: استعاره از دنیا است و جامعه‌ایی که درد فراق را تمل می‌کند.

افزون بر این در غزل «تصمیم» متأثر از وقایع سال‌های دفاع مقدس، تصاویری پیرامون شهادت (مرگی که شاعر آن را زیبا و دلپذیر می‌داند) آگاهانه از میان پدیده‌ها و مفاهیم زیبا و خواستنی برگزیده شده تا بار معنایی مثبت آن را به خوبی القا کند:

بیا به خانه آلاله‌ها سری بزنیم
ز داغ با دل خود حرف دیگری بزنیم
به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم
سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم
(امین‌پور، ۱۳۸۹: ۴۰۶)

آلاله استعاره از شهدا، بنفشه استعاره از عزاداران و کبوتر استعاره از شهید است. شاعر در این اشعار با استفاده از استعاره‌های زیبا و مکرر به نحوی دلنشین مراسم عزاداری برای شهیدان را تصویر کرده است. عزاداران را بنفشه خطاب کرده‌استل، به این سبب که رنگ گل بنفشه با لباس عزاداران همخوانی دارد و به خوبی حس غم و عزا را منتقل می‌کند. شهید را کبوتر خوانده، پرنده‌ایی زیبا و مظلوم و بی‌آزار که از زیباترین استعارات برای شهید است.

سال‌های بعد از جنگ به او فرصتی می‌دهد که به برخی از رفتارهای اجتماعی نیز بپردازد و اعتراض و انتقاد خویش را نسبت به پاره‌ای از بد اخلاقی‌ها که در جامعه رایج شده‌است، بیان کند. این رویکرد، عمدتاً در مجموعه اشعار «آیین‌های ناگهان» به چشم می‌آید. وی به عنوان شاعری منتقد که از متن جریان تعهد سربرآورده و از اصول انقلاب عدول نکرده است به سیاست‌های وقت اعتراض می‌کند و با تحلیلی متفاوت از تحلیل حاکم بر جامعه، جهان بینی خود را بیان می‌نماید در جهت نفی ریاکاری، غرض‌ورزی، خودخواهی، کینه‌توزی و بی‌تفاوتی اشعاری می‌سراید:

این سوی شیشه، شیون باران و خشم باد
در پشت شیشه بغض گلوگیر پنجره
(همان: ۳۴۸)

اضافات استعاری شیون باران و خشم باد در این بیت نشان دهنده لحن اعتراض آمیز و کوبنده شاعر هستند. باران می‌تواند استعاره از رزمندگان باشد و شیون بی‌قراری‌های آنان. همچنین باد استعاره از مردم و خشم، خشم آنها از وضع موجود در جامعه است. همچنین در مصرع دوم استعاره مکنیه بغض گلوگیر پنجره بغض پنجره می‌تواند بیانگر رفتار دشمنان بیرونی و وضعیت دشوار سیاسی و محیطی جامعه از تحریم‌های آنان باشد.

مجموعه اشعار «آیین‌های ناگهان» اولین اثر پس از جنگ است و سرشار از انتقاد شاعرانه، گله از وضع موجود، حسرت و اندوه گذشته. در شعر «در سوگ خویش» استعاره‌ها بیانگر این وضعیت هستند:

من با دهان مرثیه می‌خوانم:
و اسب‌هایشان را آنگونه با شتاب
ای کاش عاشقان تو می‌مانند!
در امتداد جاده نمیراندند
(همان: ۳۵۸)

عاشقان، استعاره از مبارزانی است که شهید شدند و ماندن استعاره از نمردن و زنده ماندن است و راندن استعاره از مردن و شهید شدن. شاعر با چینش این استعارات در کنار سایر آرایه‌ها، رنج خود را نشان می‌دهد، رنج نرسیدن به عاشقان و شهادت،

او از ماندن خود در رنج است. شاعری که در جنگ و جهاد و شهادت رشد کرده و بالیده شده‌است، آرزویش رسیدن به عاشقانی است که به دیدار معشوق رفته اند، رفتن و رسیدن در کلام قیصر از مفاهیم ارزشمند است.

تصویرهای دوران پس از جنگ وی، روح حماسی آن دوران را ندارد و مخاطب نوعی انفعال و واخوردگی از وضعیت موجود که تا حدودی با اعتراض و انتقاد همراه است مشاهده می‌کند. دقت شود در غزل پنجره و استعاره‌های آن:

یک کلبه خراب و کمی پنجره یک ذره آفتاب و کمی پنجره
ای کاش جای این همه دیوار و سنگ آینه بود و آب و کمی پنجره
(همان: ۲۱۸)

کلبه خراب استعاره از جامعه و وطن است. آفتاب استعاره از امام زمان (عج) و پنجره که چندین مرتبه تکرار شده، استعاره از نوعی امید است امید به آزادی و اوضاعی بهتر برای مردم و جامعه. دیوار و سنگ استعاراتی است از وضع موجود و اوضاع سخت و وخیم جامعه که شاعر به جای آنها آینه و آب را آرزو کرده و دوری از ریاکاری را خواستار شده است و درخواست‌های آرمانی خودش را بیان کرده است. به نظر می‌رسد با پایان یافتن جنگ حسرت و دریغ جا ماندن از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان، موجب انتقاد و اعتراض به وضعیت موجود می‌شود.

۳-۴. بازتاب اندیشه‌های شخصی قیصر امین پور در قالب استعاره‌ها

از سال‌های ۱۳۸۰ به بعد شاعر، دچار انفعال و سرگستگی در خویشتن می‌شود و می‌گوید، «این چشم‌ها از من دلیل تازه می‌خواهد» (امین پور، ۱۳۸۰: ۳۶). از این رو در دو مجموعه شعری «دستور زبان عشق» و «گل‌های آفتابگردان» به دنیای شخصی خویش می‌پردازد. شاعر در این برهه درونگراتر می‌شود و خود را به سکوت دعوت می‌کند. به دنیای عوالم شخصی و عالم درونی خود می‌پردازد، به عشق و شعر پناه می‌برد و نگاه عارفانه دارد. در این اشعار جست‌وجوی خویشتن، عنصر تفکر، حرکت تعاملی اندیشه و انفعالات و گفت‌وگوی با «من» درونی دیده می‌شود. کلیدواژه‌ها در محور همنشینی مفاهیم جدیدی را القا می‌کنند. با دور شدن از فضای انقلابی و جنگ، از «ما»ی گروهی فاصله می‌گیرد و به «من» می‌پردازد. در جست‌وجوی صلح و ستایش آرزوها شعر سروده، شعرهایی آمیخته با تردید و پرسش و آرزو، به خویشتن خویش بازگشته و سراسر وجودش را نوعی عشق عرفانی فراگرفته است. برای مثال دقت شود در شعر نام گمشده از مجموعه دستور زبان عشق:

دل‌م را ورق می‌زنم

به دنبال نامی که گم شد

در اوراق زرد و پراکنده این کتاب قدیمی (همان، ۱۳۸۹: ۱۹).

دل استعاره از کتاب قدیمی است که شاعر آن را ورق می‌زند. این استعاره به خوبی بیانگر تأملات شبه فلسفی شاعر است. نامی که گم شد استعاره از شخص یا کارمهم در گذشته است. اوراق زرد و پراکنده استعاره از وقایع رخ داده و کهنه است. قیصر در این دوره در خود خزیده و اشعارش شخصی و بیان‌کننده حال و روز وی است. در غزل «سفر در آینه» نیز این رویکرد دیده می‌شود:

این منم در آینه یا تویی برابرم ای ضمیر مشترک ای خودی فراترم
در من این غریبه کیست؟ باورم نمی‌شود خوب می‌شناسمت، در خودم که بنگرم
این تویی، خود تویی، در پس نقاب من ای مسیح مهربان، زیر نام قیصرم!

(همان، ۱۳۸۹: ۳۷)

غریبه و مسیح مهربان هر دو استعاره از من درونی شاعر و روح است. صدای انعکاسی قیصر شنیده می‌شود، عنصر تفکر در این شعر به چشم می‌آید و قیصر در جست‌وجوی خویشتن خویش است که یک بار آن را غریبه و یک بار مسیح مهربان خوانده است.

در مثال زیر نیز، «من شخصی» شاعر، دیده می‌شود، وی در این شعر، حس و حال رمانتیک خویش را در قالب استعاره بیان می‌کند. بعد از گذشت دهه شصت و هفتاد و پایان یافتن جنگ تحمیلی و حاکم شدن آرامش بر فضای سیاسی و اجتماعی ایران، شعرهای عاشقانه رمانتیک و به تعبیر شفیع کدکنی «من‌های فردی و شخصی شاعران (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۷). گسترش پیدا کرد:

گرفته‌تر ز خزان دلم خزان‌ی نیست ستاره بار تر از چشم آسمانی نیست
(همان: ۱۴۵)

ستاره استعاره مرشحه از اشک است و از ملائمت مشابه به آسمان است و خزان دلم استعاره مرشحه و از ملائمت خزان، گرفتگی است.

در مثال زیر هم، از عشق و عواطف شخصی سخن می‌گوید؛ از نظر وی اگر عشق نباشد، آسمان چنان نقطه‌ای موهوم و خیالی بود:

از غم خبری نبود اگر عشق نبود دل بود ولی چه سود اگر عشق نبود
بی رنگ‌تر از نقطه موهومی بود این دایره کبود اگر عشق نبود
(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۹۵)

دایره کبود در این بیت استعاره از آسمان می‌باشد و از ملائمت مشابه کبود است. در مجموعه اشعار «دستور زبان عشق» پرداختن به عشق و عواطف شخصی با تصویرهای خیال‌انگیز قیصر امین‌پور همراه است، استعاره دست عشق و استعاره‌های مکنیه بخشی از این تصویرسازی را تشکیل داده‌اند:

دست عشق از دامن دل دور باد می توان آيا به دریا حکم کرد
می توان آيا به دریا حکم کرد موج را آيا توان فرمود، ایست
آنکه دستور زبان عشق را خوب می دانست تیغ تیز را
می توان آيا به دل دستور داد؟ که دل را یادی از ساحل مباد؟
باید ایستاد؟ بی گزاره در نهاد ما نهاد
در کف مستی نمی بایست داد (همان: ۱۲)

عشقی که در این ابیات بازتاب داده شده است؛ ودیعه‌ای می‌باشد که باری تعالی در درون ما به امانت گذاشته و به وسیله آن انسان می‌تواند به درستی و صحت راه‌های رسیدن به حق را طی کند. این عشق، عشقی است که در ادبیات سنتی در شعر شاعرانی همچون مولوی، حافظ و عطار بدان اشاره شده است و قیصر نیز آن را دوباره بازنمایی می‌کند. در بیت زیر نیز، عشق عرفانی قیصر امین‌پور به تصویر کشیده شده است:

شب کافر فرو شد در سیاهی به عقل سرخ سر زد شیخ اشراق
(امین‌پور، ۱۳۸۹: ۴۵۷)

در این تصویر، عقل سرخ، مفهومی است که قیصر برای عاشقان به کار گرفته است. عقل سرخ، می‌تواند مفهومی باشد که قیصر برای استعاره از عاشقی که از حساب‌گری‌ها و بندهای عقل خود وارهیده است.

دلتنگی از دنیا و مرگ‌اندیشی یکی دیگر از اندیشه‌های شخصی قیصر امین‌پور است که در تصویرهای ادبی وی نمایان شده است. از نظر او، دنیا، قفسی است که مرغ جان وی را در خود نگه داشته است، مرگ و رهایی از این قفس، آرزو مرغ جان است:

آن مرغ که پرزند به بام و در دوست خواهد که دهد سر به دم خنجر دوست
(همان، ۴۲۸)

در تصویر زیر نیز این رویکرد وجود دارد و شاعر آرزوی مرگ می‌کند:

دگر این دل سرماندن ندارد هوای در قفس خواندن ندارد

(همان، ۴۵۲)

به نظر می‌رسد؛ برخی از ناکامی‌های و نارضایتی‌های قیصر امین‌پور در دوران پس از جنگ و غم نبود شهدای دفاع مقدس، موجب تنگ شدن عرصه زندگی بر وی می‌شود، به همین خاطر مرگ را رهایی از این عرصه تنگ زندگی می‌داند. در این نگرش، مرگ؛ پایان دهنده رنج‌های بی‌پایان زندگی است که هنگام درد و رنج انسانی تنها روزنه امید اوست و در حقیقت نوعی برداشت خوش‌بینانه به مرگ و بدبینانه به زندگی می‌باشد.

افزون براین، نوستالوژی یکی دیگر از اندیشه‌های شخصی شاعر در شعرهای رمانتیک و احساسی اوست. «آزردگی از محیط زمان موجود و فرار به سوی فضاها و زمان‌های دیگر، دعوت به سفر تاریخی یا جغرافیایی، سفر واقعی یا بر روی بال‌های خیال، یکی دیگر از مشخصات آثار رمانتیک است» (ثروت، ۱۳۹۰: ۹۶). از این‌رو، قیصر امین‌پور گاهی اوقات از محیط زمان موجود، دل‌آزرده می‌شود و دوست دارد همراه با مخاطبش، به سوی فضاها و زمان‌های دیگر فرار بکند و بر روی بال‌های خیال به گذشته برگردد. او پرورش یافته روستا بود و پس از مهاجرت از آنجا، در شعر خود همیشه از روستای خود یاد می‌کند و به توصیف روستای زیبایش پرداخته و همان سادگی روستا را ترجیح می‌داد:

من دلم می‌خواهد/ دستمالی خیس/ روی پیشانی تبار بیابان بکشم/ دستمالم را اما افسوس/ نان ماشینی در تصرف دارد (همان: ۳۱۲).

نان ماشینی استعاره از امکانات جدید و تجملات باشد که شاعر با ذکر ترکیبی این چنینی در ابیاتی لطیف به خوبی نارضایتی خود را از زندگی شهری بیان می‌کند.

نتیجه

صورخیال در شعر شاعران به فراخور موقعیت اجتماعی و حال و هوای دوره زندگی شاعر و حوادث و وقایع گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که رخ می‌دهد، نمود متفاوت دارد و بی‌شک هریک از عوامل مذکور می‌تواند در نوع نگرش شاعر به اطراف و طرح کلی اندیشه، احساس و عاطفه تأثیرگذار باشد. استعاره به خوبی با چینش در کنار سایر اجزای شعر نشان دهنده تفکرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شاعر است و روشن‌گر ویژگی‌های روحی و اخلاقی فرهنگی شاعر است و ازین‌گذر می‌توان فهمید که در ذهن و روان شاعر چه می‌گذرد. قیصر امین‌پور با آگاهی و شناخت دقیقی که از ویژگی‌های روانشناسی واژه‌ها و ترکیبات داشته با استفاده از استعاره‌ها توانسته‌است؛ به روشنی بیانگر اندیشه‌های دینی، شرایط سیاسی و اجتماعی و شرایط روحی و ذهنی خویش باشد.

استعاره‌های وی در پاره‌ای از موارد برگرفته از آموزه‌های دینی و قرآن است، وی با تکیه بر داستان پیامبران از جمله خلقت حضرت آدم (ع)، حضرت یوسف (ع) و حضرت ابراهیم (ع) و همچنین گرمی داشت شهدا بر اساس آموزه‌های قرآنی، تصویرهایی می‌آفریند که استعاره هم بخشی از این صورخیال است.

افزون براین قیصر امین‌پور، خود را متعلق به جامعه می‌پندارند بنابراین، نمی‌توانند نسبت به اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد و یا کمبودها و نقص‌هایی که در جامعه وجود دارد، بی‌تفاوت باشد، دفاع مقدس و جنگ تحمیلی برجسته‌ترین واقعه‌ای است که صورخیال اشعار قیصر امین‌پور را به خود اختصاص داده‌است، همچنین دریغ و حسرت به خاطر رفتن شهدا و انتقاد و اعتراض از بداخلاقی‌های موجود در جامعه همچون؛ ظلم، بی‌عدالتی، فقر، نبود مهر و عاطفه و بی‌تفاوتی انسان‌ها نسبت به همدیگر یکی دیگر از اندیشه‌های شاعر است که برخی از استعاره‌های وی بر این اساس آفریده شده‌اند.

عشق و عواطف شخصی و سوز و گدازهای عاشقانه در شعر قیصر امین‌پور یکی دیگر از مواردی است که مبنای تصویرسازی قرار گرفته‌است خود. دلیل این امر، حاکم شدن فضای آرام بعد از هشت سال دفاع مقدس بود، از این‌رو شاعر مجالی برای پرداختن به «من»‌های شخصی پیدا کردند و نسبت به بی‌وفایی معشوق و نبود او، مرگاندیشی و بی‌زاری از دنیا و مسائل نوستالژیک اشعاری بسراید و استعاره هم در خدمت بیان این مسائل باشد.

منابع

۱. اقتصادی نیا، سایه (۱۳۸۹). مروری بر کارنامه شعر قیصر امین پور، نقد و بررسی، نامه فرهنگستان، صص ۱۴۹-۱۳۸.
۲. امین پور، قیصر (۱۳۸۷). آینه‌های ناگهان، تهران، نشر افق، چاپ پانزدهم.
۳. امین پور، قیصر (۱۳۸۹). مجموعه کامل اشعار، تهران: انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
۴. ثروت، منصور (۱۳۹۰)؛ آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران، انتشارات سخن، چاپ سوم
۵. جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۱). اسرارالبلاغه، ترجمه ی جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). فرهنگ لغت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. سپهری، مهدی (۱۳۸۲). نقش استعاره در اصالت وجود، پژوهشنامه فلسفه دین، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲، صص ۱۸۹-۱۶۳.
۸. شریعت ناصری، زهره (۱۳۹۵). استعاره، تکامل متن و ترقی مخاطب، فصلنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۲۷-۶.
۹. شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۳). صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه، چاپ هفتم.
۱۰. شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰). تاریخ ادوار شعر فارسی، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم.
۱۱. فتوحی، محمود (۱۳۸۵) بلاغت تصویر، چاپ دوم، تهران: یکتا، نشر گلرنگ.
۱۲. فتوحی، محمود (۱۳۸۷) سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین پور، ادب پژوهشی، شماره پنجم، صص ۳-۰-۹.
۱۳. فیروزیان، مهدی (۱۳۹۲)، مفهوم مرگ نزد قیصر امین پور، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، پاییز، شماره ۳۰، صص ۷۳-۴۹.
۱۴. کزازی، میرجلالدین (۱۳۸۶). زیباشناسی سخن پارسی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
۱۵. گرجی، مصطفی (۱۳۸۷) بررسی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار قیصر امین پور، فصلنامه پژوهش‌های ادب. سال ۵، شماره ۲۰، ۱۳۰-۱۰۷.
۱۶. لطافت، کامران (۱۳۹۴). سیاست نوشتار (پژوهشی در شعر و داستان معاصر)، مترجم: مهرک کمالی، تهران: نشر نامک، چاپ اول.
۱۷. لیکاف، ج (۱۳۸۳). نشریه معاصر استعاره، مجموعه مقالات استعاره، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران، سوره مهر، صص ۲۹۸-۱۹۶.
۱۸. موسوی، فریدنی، آزاده (۱۳۸۲). استعاره از کذب تا واقعیت، فصلنامه زنده‌رود، شماره ۲۹ و ۲۸، صص ۳۵-۹.
۱۹. هاوکس، ترنس. (۱۳۸۰). استعاره، ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز. چاپ دوم.

Metaphor, the Context of the Poet and Society's Poetry and Thought (Case Study of Qaisaramimpour Poems)

Mohammad Moein Safari

Faculty Member of Payam Noor University, Marvdasht Unit

Abstract

Oral metaphor for word, which helps to reach the author's mentality and the main meaning of the text. By examining the metaphors of each nation and nation, one can examine their beliefs and culture. Qaisar Aminpour is one of the prominent poets of recent decades. He has devoted his efforts to creating poetry aesthetics to show his perpetual mental concerns. Among the artistic techniques of Kaiser, he has been focusing on artifacts such as metaphor. He has specially metaphored in aligning with other vocabulary and archetypes for expressing thoughts, thoughts, and his state of mind and mind. In this research, four Qyasaramimpour poetry books (sudden mirror, love grammar, morning breathing, flowers are all sunflowers) have been studied with a descriptive and analytical approach. The findings of the research show that Kaiser's poetry has a significant role in exploiting metaphor. Given that the poet is born in war zones and has witnessed eight years of holy defense, his metaphors clearly show his views on social and social issues, the drawing of war and the image of the martyrs, the expression of the warriors and their families, Palestine and The issue of resistance is love and Mahdiism. In addition, a glimpse into his works suggests that the metaphors, verses, and mecca have a high frequency in his poems, as well as the largest number of metaphors related to the Second Office of Mirrors (90 metaphors).

Keywords: Qaisaramimpour, Metaphor, Social Thoughts.
